گفت‌وگوی «جوان» با نادر قربانی از همرزمان شهید دکتر مصطفی چمران به مناسبت سالروز شهادتش

دهلاویه کربلای رزمندگان جنگ‌های نامنظم بود

■ صغری خیل‌فرهنگ

شهید دکتر مصطفی چمران تحصیلکرده امریکا، فیزیکدان، مبارز انقلابی و نماینده دور اول مجلس شورای اسلامی بود که با آغاز غائله ضدانقلاب در غرب کشور و جنگ تحمیلی، وارد میدان جهاد شد. چمران از فرماندهان شجاعی بود که با شروع جنگ به اهواز رفت و ستاد جنگ‌های نامنظم را راه‌اندازی کرد. تأثیر دکتر روی رزمندگان آن هم در ماه‌های اول دفاع مقدس به قدری بود که بسیاری از آنها تا سال‌ها بعد به بزرگی و شرافت دکتر مصطفی چمران اذعان می‌کنند. شهید مصطفی چمران عاقبت در ۳۱ خرداد ماه سال ۶۰ در دهلاویه بر اثر اصابت ترکش به شهادت رسید. در این مجال با نادر قربانی متولد سال ۱۳۳۷ یکی از یاران شهید چمران که از دوران حضورش در نخست‌وزیری تا جنگ در کردستان و سپس دفاع مقدس در کنارش بود، به گفت‌وگو نشستیم.

آشنایی شما با دکتر چمران از کجا شکل گرفت؟

من فروردین ماه سال ۵۸ برای آموزش به پادگان امام علی(ع) معرفی شدم. اولین روزهای اردیبهشت ماه سال ۵۸ دکتر چمران که آن زمان معاون نخست‌وزیر بود، برای بازدید از اقدامات پادگان و نحوه آموزش نیروها به پادگان امام علی(ع) آمد. اولین دیدار من و شهید چمران مربوط به همان روزها بود. شهید چمران چند مرتبه برای بازدید به پادگان آمدند و یک آشنایی نسبی با بچه‌ها پیدا کردند.آن زمان بسیاری از ارگان‌های دولتی نیاز به نیروهای انقلابی داشتند و با توجه به این موضوع شهید چمران از مسئولان پادگان خواستند که برای محافظت از مجموعه نخست‌وزیری تعدادی از نیروهای سپاه به آنجا منتقل شوند. این امر همزمان با ترور و شهادت آیت‌الله شهید مرتضی مطهری بود. از این رو من و تعدادی از دوستان مانند کاظم زبرجدی و محسن شریف به ستاد نخست‌وزیری اعزام شدیم و همین بهانه‌ای شد تا آشنایی ما با دکتر چمران بیشتر شود. هر روز که از آشنایی ما با دکتر چمران می‌گذشت، بیشتر به سمت و سوی او کشیده می‌شدیم.جذبه زیادی داشت. به جرئت می‌توانم بگویم بچه‌ها در شهید چمران ذوب شده بودند. منش و رفتار شهید چمران ما را شیفته ایشان کرده بود. همان ابتدای پیروزی انقلاب زمانی که دکتر چمران برای سخنرانی به مساجد و مراسمات می‌رفتند، ما هم ایشان را همراهی می‌کردیم. صحبت‌های ایشان در مورد حزب‌الله لبنان، مبارزه با استکبار جهانی و اسرائیل برای ما و مردمی که در مجالس سخنرانی ایشان حضور داشتند، بسیار مهم و شنیدنی بود. ایشان در مورد مواردی با مردم صحبت می‌کردند که برای مردم تازگی داشت. شهید چمران سال‌های زیادی در خارج از کشور زندگی کرده بود و با تمام گروه‌های خارجی و داخلی آشنایی داشت و خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کرد، می‌شناخت و به مردم نسبت به آنها آگاهی می‌داد و روشنگری می‌کرد. او بیش از هر کسی دیگر مجذوب امام و پشتیبان ولی‌فقیه بود و در خط ایشان حرکت می‌کرد.

شهید چمران نقش ارزنده‌ای در ختم غائله کردستان و پاوه داشت. از نقش او در این فتوحات بگویید.

حزب دموکرات و ضدانقلاب از گذشته‌های دور به دنبال تجزیه کردستان بودند، از این رو ابتدا تصمیم گرفتند که پاوه را به تصرف خود درآورند. وقتی پاوه توسط کومله و ضدانقلاب محاصره شد تا بهانه‌ای باشد برای تصرف کردستان و براندازی نظام، شهید چمران که در آن زمان در سمت معاونت نخست‌وزیری بودند،مأموریت پیدا کردند تا به همراه تعدادی از همرزمان و پاسداران به سمت این شهر حرکت کنند. به جرئت می‌توانم بگویم که اگر درایت و هوشیاری شهید چمران در همان ابتدای سال ۵۸ در کردستان نبود، شاید کردستان به دست دشمنان می‌افتاد. بسیاری از نیروهای حزب‌اللهی و دلسوز نظام از جمله شهید صیادشیرازی و رحیم صفوی داوطلبانه به منطقه آمدند. شهر پاوه در وضعیت خوبی نبود. سقوط پاوه حتمی شده بود. اما تنها چند ساعت مانده به سقوط پاوه فرمان امام خمینی(ره) صادر شد و همه معادلات دشمنان و ضد انقلاب را که می‌خواستند قتل‌عام فجیعی در پاوه به راه بیندازند، به هم ریخت. خیل عظیمی از نیروهای مردمی به سمت کردستان به حرکت درآمدند تا پاوه را از فروپاشی نجات دهند. خوب به یاد دارم ضد انقلاب به نزدیکی پادگان نیروی انتظامی رسیده بود و از پشت بلندگو اعلام می‌کرد که خودتان را تسلیم کنید. ما با شما کاری نداریم و ما فقط با آن مزدور(شهید چمران) کار داریم. شما ببینید که دشمنان چقدر شهید چمران را می‌شناختند و چه شناخت عمیقی نسبت به ایمان و اراده الهی ایشان داشتند و می‌دانستند که چه ارزشی برای جبهه انقلاب دارد. از این جهت ایشان را مزدور خطاب می‌کردند. در نهایت شهامت و شجاعت شهید چمران و فرمان امام خمینی روح و جان عجیبی به رزمندگان داد که سراسر کردستان از گروه‌های منحرف و چپ آزاد شد.

شهید چمران یک فرمانده چریکی و میدانی بود و جنگ را خوب می‌شناخت. شما او را چطور شناختید؟

تمام نیروهای مستکبر جهانی که انقلاب اسلامی را خطر بزرگی برای منافع خود می‌دانستند، با همدستی یکدیگر جنگ بین ایران و عراق را به راه انداختند. دکتر چمران بعد از پیروزی پاوه از طرف امام به وزارت دفاع منصوب شد. ایشان جزو افراد نادری بودند که جریان جنگ را خوب می‌شناخت. شناخت عجیب چمران نسبت به دشمنان داخلی و خارجی از دانش و علم ایشان نشئت می‌گرفت. در اولین روزها شهید چمران به خاطر شناخت عمیق از وضعیت شیعیان عراق و لبنان و به خاطر اینکه یار و یاور امام موسی صدر بودند، از جریانات عراق اطلاع داشت و به خاطر این شناخت که از دشمنان داشت،اطلاعیه خیلی مهمی را منتشر کرد که فجایع حزب بعث را محکوم کرد. شهید چمران خیلی زود خدمت امام رسید تا با کسب اجازه از امام به جبهه اعزام شود. دکتر رفت و اجازه‌اش را گرفت و برگشت. اتفاقاً در همین لحظه حضرت آقا هم که آن زمان همراه شهید چمران نماینده‌های حضرت امام در شورای عالی دفاع بودند از راه رسیدند و این دو بزرگوار در حیاط همدیگر را دیدند. یک رابطه عاطفی و دوستانه‌ای هم بین آقا و شهید چمران وجود داشت. آقا با دیدن دکتر از ایشان پرسیدند:اینجا چه می‌کنید؟ دکتر در پاسخ گفت: برای گرفتن اجازه رفتن به جبهه خدمت امام رسیده‌ام.

> شهید چمران از سکون و بی‌تحرکی در جبهه‌ها رنج می‌برد و با ارائه ابتکارات و طرح‌های جدید حرکتی به وجود می‌آورد که اغلب این حرکت‌ها توسط رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم انجام می‌شد. فتح دهلاویه، عملی جسورانه بود. نیروهای ستاد پلی روی رودخانه کرخه احداث کردند و به قلب دشمن تاختند و توانستند دهلاویه را باز پس بگیرند

آقا هم گفتند: اتفاقاً من هم برای اجازه گرفتن از حضرت امام آمده‌ام، صبر کن تا بروم و برگردم. بعد از کسب اجازه از امام، آقای خامنه‌ای و شهید چمران همراه تعدادی از بچه‌هایی که در ستاد نخست‌وزیری بودند و حدود ۲۵ نفر می‌شدند به جبهه اعزام شدند. من و تعدادی از برادرها در ستاد ماندیم و با تهیه و تدارک مقداری اسلحه و مهمات که قبلاً برای مأموریت کردستان تدارک دیده بودیم، به اهواز رفتیم.

ستاد جنگ‌های نامنظم یادگاری شهید چمران در دفاع مقدس است. از توان و عملکرد این ستاد بگویید.

اتفاقاً ما وقتی به اهواز رسیدیم، متوجه شدیم که دکتر چمران در جندی‌شاپور ستاد جنگ‌های نامنظم را راه‌اندازی کرده است و تعدادی از نیروهای مردمی که متوجه شده بودند دکتر چمران و آقای خامنه‌ای دو نماینده امام آنجا حضور دارند، به نیروهای ستاد ملحق شدند. به محض اینکه دکتر چمران متوجه حضور ما شد، به استقبالمان آمد و به ما گفت که شبانه بروید یک پاتک محکم به عراقی‌ها بزنید و منطقه را هم شناسایی کنید. اهواز روز به روز از سکنه خالی می‌شد. از یک طرف زیر آتش خمپاره‌های بعث بود و متأسفانه از طرف دیگر نیروهای نفوذی به عنوان خلق عرب از داخل شهر را مورد تهاجم خود قرار داده بودند و این به وحشت مردم اضافه کرده بود.

ما دست خالی بودیم اما شجاعت و درایت فرماندهانی چون شهید چمران ، حضرت آقا و نیروهای غیور مردمی باعث استقامت شد و ما را پیروز میدان کرد و خوزستان را از سقوط نجات داد. حضرت آقا و شهید چمران مثل دو بال روی یک پیکر در جبهه‌ها عمل می‌کردند.

چرا این نام را انتخاب کرد؟

تشکیل ستاد جنگ‌های نامنظم نشان از بینش عمیق دکتر چمران داشت. ایشان در مرکز استان ستاد را راه‌اندازی کرد تا بتواند خوزستان را حفظ کند. شهید چمران از نوابغ ایرانی بود که سال‌ها در امریکا درس خوانده و در مصر در زمان عبدالناصر سخت‌ترین دوره‌های چریکی و پارتیزانی را گذرانده بود.

شهید چمران نام ستاد را جنگ‌های نامنظم انتخاب کرد و گفت:«ما نمی‌توانیم مثل عراق جنگ کنیم. عراق یک

> ما دست خالی بودیم اما شجاعت و درایت فرماندهانی چون شهید چمران ، حضرت آقا و نیروهای غیور مردمی باعث استقامت شد و ما را پیروز میدان کرد و خوزستان را از سقوط نجات داد. حضرت آقا و شهید چمران مثل دو بال روی یک پیکر در جبهه‌ها عمل می‌کردند

جنگ کلاسیک و منظم را شروع کرده است. آنها دارای پیاده‌نظام، سواره‌نظام، نفربر، تانک و... هستند. ما باید به صورت نامنظم با اینها وارد جنگ شویم و شب و روز را از اینها بگیریم. اگر الان در دب حردان هستیم، لازم شد دو ساعت دیگر خودمان را به عباسیه یا منطقه‌ای دیگر که نیاز به حضور ما دارد، برسانیم.»

با این تدبیر او در ستاد جنگ‌های نامنظم دشمن را خسته کرد. عموم بچه‌های ستاد جنگ‌های نامنظم پس از شهادت چمران و کمی بعد از انحلال این ستاد، به سپاه پیوستند و به عنوان پاسدار در دفاع مقدس حاضر شدند. شاید عده‌ای هم با تیپ‌ها و گرایش‌های مختلف بودند، اما عموم بچه‌های ستاد از بچه‌های پای کار انقلابی بودند.

خاطره‌ای از آن روزها و همرزمی با شهید چمران دارید؟

از همان روزهای ابتدایی جنگ شجاعت و دلاوری و بزرگی بینش دکتر چمران مشخصه‌هایی بود که در وجود ایشان خودنمایی می‌کرد. در یکی از مأموریت‌هایمان در منطقه «دب حردان» ساعت ۴ صبح وارد عملیات شدیم. علی عباس که از دانشجویان دانشگاه ابوریحان بیرونی بود،به همراه یوسف یوسف که هردو از بچه‌های لبنان بودند، به داخل عراقی‌ها نفوذ کردیم. این دو برادر لبنانی به قدری تانک‌ها را با آرپی‌جی زده بودند که از شدت انفجار گوش‌هایشان پر خون شده بود. بعد از نیم ساعت درگیری شدید شد. عراقی‌ها از پشت محاصره‌مان کردند. همان زمان به دکتر چمران خبر رسید که ۱۶ نفر از بچه‌ها در محاصره قرار گرفته‌اند و احتمال اسارتشان وجود دارد، چمران خودش وارد عمل شد. شاید این روایتی را که من خدمت شما تعریف می‌کنم، فقط در فیلم‌ها دیده باشید. اما ایشان با یک نی ۶۰ متر نهر را شنا کرد و در تیررس دشمن خودش را به ما رساند. چیزی شبیه معجزه بود. بچه‌ها تا دکتر چمران را دیدند، جان دوباره گرفتند. ما چند آرپی‌جی داشتیم اما یک گردان تانک زرهی مقابل ما بود. با درایت شهید چمران بچه‌ها یکی یکی از نهر آب عقب رفتند و نجات پیدا کردیم. دشمن بعد از ناامیدی از تسخیر اهواز، محاصره سوسنگرد را طراحی کرد که به یاری خدا و حضور نیروهای دکتر چمران و نیروهای مردمی محاصره سوسنگرد هم شکسته شد. شهید چمران از سکون و بی‌تحرکی در جبهه‌ها رنج می‌برد و با ارائه ابتکارات و طرح‌های جدید حرکتی به وجود می‌آورد که اغلب این حرکت‌ها توسط رزمندگان ستاد جنگ‌های نامنظم انجام می‌شد.

فتح دهلاویه، عملی جسورانه بود. نیروهای ستاد پلی روی رودخانه کرخه احداث کردند و به قلب دشمن تاختند و توانستند دهلاویه را باز پس بگیرند. شهید علی عباس که از نیروهای لبنانی ما بود، در دهلاویه به شهادت رسید. دهلاویه را باید کربلای ستاد جنگ‌های نامنظم بدانیم؛ چراکه بسیاری از بزرگان و همرزمانمان را در آنجا از دست دادیم.

دکتر چمران بعد از دوست و همرزمش شهید ایرج رستمی به شهادت رسید. از لحظه شهادت ایشان برایمان بگویید.

شهید چمران یکی از بهترین نیروهایش، ایرج رستمی را که فرمانده منطقه دهلاویه بود، در پاتک عراق از دست داد. رستمی از همان روزهای ابتدایی حضور چمران در کردستان تا زمان شهادتش در سحرگاه ۳۱ خرداد ماه سال ۶۰ در کنار ایشان حضور داشت. شهادت رستمی برای دکتر چمران بسیار سخت و ناراحت‌کننده بود. دکتر چمران برادر مقدم را به جای ایشان به فرماندهی دهلاویه منصوب کرد و من هم به جای آقای مقدم به منطقه رفتم. جمله معروف شهید چمران را بعد از شهادت رستمی از یاد نمی‌برم که فرمود:«خدا رستمی را دوست داشت و برد و اگر مرا هم دوست داشته باشد،می‌برد.»

شهید چمران در روز ۳۱ خرداد ماه سال ۶۰ در دهلاویه در حال بازدید از سنگرها و تشریح منطقه به آقای مقدم در زیر بارش خمپاره‌های دشمن قرار گرفت و دکتر چمران به همه دستور داد با فاصله وارد سنگرهای‌شان بشوند که در نهایت بر اثر اصابت ترکش‌های خمپاره ۶۰ دشمن بعثی به پشت سرش به شدت مجروح شد. آقای مقدم و همراهشان آقای حدادی هم که کنار شهید چمران بودند به شهادت رسیدند و دکتر چمران را به بیمارستان سوسنگرد رساندند و بعد از امدادهای اولیه با آمبولانس به اهواز منتقل کردند که متأسفانه بر اثر شدت جراحات، به شهادت رسید.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۶۲۳۶

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱						■									■
۲					■					■					
۳		■			■						■				
۴				■				■				■			
۵						■				■			■		
۶			■							■				■	
۷			■	■			■		■						
۸	■				■			■			■				■
۹							■		■			■	■		
۱۰		■				■							■		
۱۱			■			■				■					
۱۲				■				■				■			
۱۳					■						■			■	
۱۴						■					■				
۱۵	■									■					

از راست به چپ

■ ۱- نیکوکاری- کشوری در غرب افریقا با مرکزیت فری تاون■ ۲- همگی- عضوی از بدن گوسفند- بهتر از حرام بدتر از حلال■ ۳- صدمه- نوشتن کتاب- سمت چپ■ ۴- دود به هم ریخته- عدل و انصاف- زادبوم- خدعه و نیرنگ■ ۵- نخست وزیر شهید- پدر آذری- مایه حیات- بخار دهان■ ۶- پول ژاپن- عنوان مجموعه‌ای از آثار ارسطو در منطق- جایگاهی در جهنم■ ۷- چه وقت- گشوده- فیلمی ساخته آلفرد هیچکاک■ ۸- نخست- طایفه کریمخان- تصدیق ایتالیایی- گاز تنفسی■ ۹- تفقد- یک و یک- رمق آخر■ ۱۰- باطل و ذایل- دست یکدیگر را فشردن- وارونه سو■ ۱۱- برجستگی لاستیک- فرار غریزی حیوان- جرقه آتش- ژست بازیگر■ ۱۲- زن یعقوب- حسادت- از طوایف غرب کشور- ظرف■ ۱۳- حنا- ایوانش آیینه عبرت نام گرفته است- تکرار حرفی■ ۱۴- از او آفرین بر سپهدار زال / یل... مهتر بی‌همال- کنجد آردشده- باتری لاغر!■ ۱۵- مهمان بی دعوت- از پیامبران

از بالا به پایین

■ ۱- ورزش تناسب اندام- خون پالایی■ ۲- کنده کاری- پیامبر شهر شوش- آهو■ ۳- جانماز- پول دستی- خبردادن■ ۴- تیم فوتبالی در یونان- بوی رطوبت- ماشین خاکبرداری- مخفف الی آخر■ ۵- راه فرار- چشمداشت- از اقمار مشتری■ ۶- کوه رشته کوه زاگرس- گران‌قیمت- بوییدن■ ۷- بخشی از لوله گوارش پرندگان- جای عطر و مشک■ ۸- وارونه آبی- جنگ‌افزار ورزشی- کشور قاهره- گندم سوده شده■ ۹- پیروان- گلی زینتی■ ۱۰- رود- شمشیرزن- نام دکارت، فیلسوف فرانسوی■ ۱۱- تکیه بر پشتی- کمیاب- نام حضرت محمد(ص) در انجیل■ ۱۲- دو تا نیست- ورق کاغذ- کلمه تنبیه- سوغات ارومیه■ ۱۳- پل راه آهن شمال- از حروف انگلیسی- اثر نیما یوشیج■ ۱۴- غذای محبوب شتر- هنرپیشه فیلم‌های وسترن- بنده و شما■ ۱۵- دیگ سنگی بزرگ- کرم روده

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

۸	۶							
			۱	۷	۵		۶	
						۷		
							۷	۵
۱	۹	۲						
				۴	۸			
	۲	۳						
			۶	۵	۹			
۶					۲	۱	۹	

۸	۶	۷	۲	۹	۳	۵	۴	۱
۲	۴	۹	۱	۷	۵	۸	۶	۳
۵	۳	۱	۴	۸	۶	۷	۲	۹
۴	۸	۶	۳	۲	۱	۹	۷	۵
۱	۹	۲	۵	۶	۷	۳	۸	۴
۳	۷	۵	۹	۴	۸	۲	۱	۶
۹	۲	۳	۸	۱	۴	۶	۵	۷
۷	۱	۸	۶	۵	۹	۴	۳	۲
۶	۵	۴	۷	۳	۲	۱	۹	۸

جدول کلمات متقاطع

■ پاسخ جدول شماره ۶۲۳۵

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ن	ی	و	ی	و	ر	ک	■	و	ر	ش	ک	س	ت	ص
۲	ا	و	ا	ر	■	ا	ا	ک	■	ل	ی	م	و	ی	ی
۳	ب	ن	ر	■	ر	ی	ش	ت	ر	■	ن	ا	ف	■	د
۴	س	و	■	ش	م	ش	■	هـ	ل	ا	هـ	ل	■	ک	ر
۵	ا	ل	ف	ت	■	ت	ج	■	هـ	ل	و	■	ل	و	ا
۶	م	ی	ر	■	ک	ا	ی	ت	■	ب	ا	ز	گ	ش	ت
۷	ا	ت	■	س	ا	ک	■	ا	ر	ا	■	ک	ا	ش	■
۸	ن	■	ک	ر	ت	■	ق	ل	ع	■	گ	ا	م	■	ن
۹	■	ل	ا	ن	■	س	ی	ا	■	ن	ر	م	■	گ	س
۱۰	ز	ا	د	گ	ا	هـ	■	ب	خ	ی	هـ	■	چ	ا	ی
۱۱	ع	د	و	■	ر	ا	م	■	د	م	■	ف	ر	و	م
۱۲	ف	ن	■	خ	د	م	ا	ت	■	ب	و	ش	■	خ	ش
۱۳	ر	■	ب	ی	ش	■	ن	ا	ن	س	ی	■	ص	و	م
۱۴	ا	س	ل	ا	ی	د	■	ک	ی	م	■	م	ی	ن	ا
۱۵	ن	ی	ا	و	ر	ا	ن	■	ک	ل	ر	و	ف	ی	ل